Archive of SID.ir

فصلنامه علمی پژوهش‌های اقتصاد صنعتی
سال پنجم، شماره هجدهم، زمستان ۱۴۰۰ (۵۸-۴۵)
نوع مقاله: پژوهشی

Quarterly Journal of Industrial Economics Researches
Vol. 5, No. 18, January 2022 (45-58)

تأثیر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

*سمانه نورانی آزاد[۱]، علیرضا موغلی[۲]، ناهید زارعی[۳]
۱. استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. استادتمام گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بودجه، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
(دریافت: ۱۴۰۰/۹/۵ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۰)

The Effects of Markup and Corporate Governance on Tax-Avoidance of Listed Companies in the Tehran Stock Exchange

*Samaneh Noraniazad[1], Alireza Moghali[2], Nahid Zarei[3]
1. Assistant Professor of Economics, Payame Noor University Tehran, Iran
2. Professor of Management, Payame Noor University, Tehran, Iran
3. M.s Student of Budget management, Payame Noor University, Tehran, Iran
(**Received:** 26/Nov/2021 **Revised:** 13/Jan/2022 **Accepted:** 30/Jan/2022)

چکیده:
هدف محوری پژوهش حاضر ارزیابی تاثیر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی بنگاه‌های بورس اوراق بهادار تهران است. بدین منظور از داده‌های ۱۰۰ بنگاه فعال تولیدی در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ استفاده شد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که مدیران بنگاه‌های دارای قدرت بازاری به دلیل قرار گرفتن در حاشیه امن و مصونیت از رقبا نگرانی برای کاهش سود ندارند. همچنین، مدیران به‌منظور برخورداری از پاداش پرداختی و طرح‌های تشویقی سهامداران در جهت حداکثرسازی ثروت و ارزش بنگاه تلاش نموده و فعالیت اجتناب مالیاتی را به شدت افزایش می‌دهند. به‌علاوه، نتایج تاثیر شیوه حکمرانی شرکتی موید آن است که سرمایه‌گذاران نهادی به‌دلیل نفع مالی حاصل از سرمایه‌گذاری و دستیابی به قدرت بازاری، انگیزه نظارت بالاتر بر فعالیت مدیران برای کاهش هزینه نمایندگی و افزایش اجتناب مالیاتی خواهند داشت. در مجموع مدیران و سهامداران تلاش دارند از طریق کاهش تضاد منافع، میزان اجتناب مالیاتی را افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: مارک‌آپ، قدرت بازاری، حکمرانی شرکتی، سهامداران نهادی، اجتناب مالیاتی.
طبقه‌بندی JEL: D22، L20، L13.

Abstract:
The main purpose of this article is to evaluate the effect of markup and corporate governance on tax avoidance of the listed companies in the Tehran stock exchange. For this purpose, data from 100 active manufacturing firms over the periods of 2011-2019 were used. The results indicate that the managers of the firms which have market power are not worried about reducing profits because of being in a safe hedge and the immunities against their rivals.
Also, the managers for having the payment rewards and shareholders' incentive schemes, try to maximize the wealth and worth of the firm and increase tax avoidance drastically. Moreover, the results of the corporate governance indicate that institutional investors, due to the high financial benefits of investing and achieving market power, will have a higher motivation to monitor the managers' activity to reduce agency costs and increase tax avoidance. Overall, managers and shareholders try to increase tax avoidance by reducing benefits conflicts.

Keyword: Markup, Market Power, Corporate Governance, Institutional Shareholders, Tax-Avoidance.
JEL: D22, L20, L13.

نویسنده مسئول: سمانه نورانی آزاد
E-mail: noraniazad@pnu.ac.ir

*Corresponding Author: Samaneh Noraniazad

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱- مقدمه

مالیات یکی از روش‌های تامین مالی مخارج دولت و اهرمی اثرگذار در اجرای سیاست‌های دولت و بودجه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی است و نقش محوری در تحقق برنامه توسعه هر کشور ایفا می‌کند؛ در واقع، مالیات هزینه‌ای است که از سوی دولت بر تمامی واحدهای انتفاعی درآمدزا از قبیل بنگاه‌های فعال در بازار بورس اعمال می‌شود. در این بازار بنگاه‌ها، اشخاص حقوقی و واحدهایی تلقی می‌شوند که در راستای کسب سود، فعالیت نموده و انتظار می‌رود همواره بدنبال استراتژی‌هایی برای کاهش مالیات پرداختی خود هستند؛ بنابراین در ادبیات اقتصاد و مباحث مالی تلاش‌ها و راهکارهای قانونی بنگاه‌ها برای کاهش مخارج مالیاتی را به نام‌های متفاوتی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب مالیاتی و رویه‌های مالیاتی می‌شناسند. به‌طور معمول، اجتناب مالیاتی نوعی کاهش در مالیات مستقیم، استفاده قانونی از نظام مالیاتی و ابزار صرفه‌جویی مالیاتی تلقی می‌شود که با انتقال منابع از دولت به سهامداران مالیات پرداختی توسط بنگاه کاهش و ارزش بعد از مالیات بنگاه افزایش می‌یابد.

علاوه براین مارک‌آپ که به توانایی بنگاه در ایجاد تفاوت بین قیمت و هزینه نهایی اشاره دارد به‌دلیل وجود مخاطرات اخلاقی می‌تواند اثربخشی، کارایی، عملکرد و اجتناب مالیاتی بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار دهد؛ زیرا این بنگاه‌ها به رقابت با یکدیگر پرداخته و تلاش دارند که با دستیابی به سهم بازاری بیشتر گوی سبقت را از دیگر رقبا بربایند و با تسلط بر بازار سودشان را حداکثر کنند. در واقع بنگاه دارای قدرت بازاری با قرار گرفتن در حاشیه امن از تهدید رقبا مصون است زیرا اولاً قدرت بازاری بنگاه‌ها باعث فشار برحاشیه سود شده و ممکن است بنگاه را به سمت پذیرش ریسک بیشتر جهت تسهیل در دریافت اعتبارات به‌منظور گسترش سرمایه‌گذاری پیش ببرد. به عبارت دیگر بنگاه‌های دارای قدرت بازاری در پیش‌بینی و تحقق منافع اجتناب مالیاتی موفق‌ترند. ثانیاً، این بنگاه‌ها دارای موانع طبیعی در مقابل شرایط نامساعد و شوک‌های اقتصادی هستند؛ ازاین‌رو رهبران بازار تولید، فرصت وسیع و بالقوه و انگیزه بالاتر برای مشارکت در فعالیت‌های ریسک‌پذیر از قبیل اجتناب مالیاتی را دارند (کوبیک[1] و همکاران، ۲۰۱۵).

از طرفی حکمرانی شرکتی[2] شامل مجموعه‌ای از روابط مدیران، هیأت مدیره، مالکان نهادی[3]، سهامداران و ذی‌نفعان دیگر است که به چگونگی مدیریت بنگاه در جهت تامین منافع یک یا چند سهامدار اشاره دارد. از آنجایی‌که یکی از اهداف اصلی سهامداران بنگاه‌ها، حداکثرسازی ثروت و ارزش بنگاه است؛ سهامداران با اجرای طرح‌های تشویقی و پرداخت پاداش به مدیران می‌توانند علاوه بر حداکثرسازی ثروت خود، انگیزه اجتناب مالیاتی بنگاه‌ها را افزایش دهند؛ زیرا اجتناب مالیاتی درنهایت، به افزایش سود خالص و کاهش جریان نقد[4] پس از کسر مالیات می‌انجامد (کوورمن و ولت[5]، ۲۰۱۹).

بررسی‌های آماری مالیات بر سود سهام به‌عنوان منبع درآمدی برای ذینفعان و سهامداران در بازار بورس دنیا موید آن است که نرخ مالیات بر سود سهام در کشورهای مختلف متفاوت است. در ایران براساس قانون مالیات‌های مستقیم، شرکت‌های فعال در بورس موظفند با تخفیف مالیاتی ۱۰ درصدی میزان ۲۲/۵ درصد سود سهام را به دولت بپردازند. علاوه براین، مقایسه نرخ مالیات بر سود سهام بنگاه‌های بورسی کشورهای توسعه یافته صنعتی با کشورهای در حال توسعه تفاوت فاحشی را نشان می‌دهد. در این میان آمریکا با نرخ ۳۹/۶ درصد در کوتاه مدت و حداکثر ۲۰ درصد در بلندمدت، استرالیا با نرخ ۳۰ درصد، فیلیپین ۳۰ درصد، استانبول بین ۰ تا ۲۰ درصد و اسپانیا با نرخ ۱۹ درصد رتبه‌های بالایی را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما این نرخ در کشورهای درحال توسعه به شدت کاهش یافته به‌گونه‌ای که در اندونزی حداکثر ۱۰ درصد سود خالص برای مودیان حقیقی و ۱۵ درصد سود ناخالص برای نهادهای دولتی و در تایلند نرخ مذکور ۱۰ درصد بوده و کشورهای سنگاپور و مالزی نیز معاف از مالیات هستند.

با عنایت به آمار فوق ملاحظه می‌شود که بحث نرخ‌های موثر مالیات و عوامل تاثیرگذار برآن از مباحث چالش‌برانگیزی است که توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. در این میان، درک چگونگی تاثیر قدرت بازاری و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی اهمیت بسیاری دارد. با اینحال هرچند در برنامه‌های توسعه، سند چشم انداز ۱۴۰۴ و قانون اصلاح اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نسبت به توسعه رقابت، دوری از انحصار و تمرکز بر قوانین مالیاتی تاکید شده است؛ اما همچنان ملاحظه می‌شود که در عمده بازارهای ایران، چالش‌هایی از قبیل قدرت بازاری ناشی از جایگزینی انحصارهای خصوصی محور، تملک بازار در دست تعداد

---

1 . Kubick, et.al
2 . Corporate Gavernance
3 . Institutional Owners
(منظور آن‌دسته از سرمایه‌گذاران حرفه‌ای که دارای تمرکز بر ارزش بلندمدت بنگاه هستند و حضور آنها در بنگاه با توجه به حجم سرمایه‌گذاری و کار بلد بودن باعث نظارت بر مدیریت می‌شود).
4 . Cash Flow
5 . Kovermann and Velte

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محدودی از سهامداران و تضاد منافع سهامداران و مدیران وجود دارد.

مرور اجمالی بر مطالعات پیشین اقتصاد و مالی نشان می‌دهد که در تحقیقات قبلی، اجتناب مالیاتی به فعالیت‌هایی تلقی می‌شدند که کاملاً به شرایط درونی بنگاه، سیاست‌ها و فضایی که بنگاه درآن فعالیت می‌کند مرتبط است و به تاثیر عوامل برون سازمانی بر سیاست‌های بنگاه کمتر توجه شده است؛ همچنین در پژوهش حاضر با کمک معیارهای ناپارامتریک مالی میزان مارک‌آپ و حاکمیت نهادی سنجیده می‌شود که در مباحث اقتصاد از این معیارها استفاده نشده است و از این جنبه می‌تواند جزء تلاش‌های نخست در این راستا قلمداد شود. در ادبیات اقتصادی، قدرت بازاری و شیوه حکمرانی شرکتی دو بال موثر بر اجتناب مالیاتی بوده که ارزیابی تاثیر همزمان آن‌ها بر اجتناب مالیاتی هدف محوری این پژوهش است. ازاین‌رو از داده بنگاه‌های تولیدی بورس ایران در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۸ استفاده شده است و نتایج پژوهش می‌تواند راهنمایی برای سیاستگذاران در اصلاح قانون مالیاتی و برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران جهت تدوین سیاست‌های رقابتی و شیوه حاکمیت نهادی باشد.

در ادامه سازماندهی مقاله به‌صورتی است که پس از مقدمه، در بخش دوم مبانی نظری و سپس در بخش سوم پیشینه تحقیق مرور می‌شود. روش شناسی تحقیق در بخش چهارم ارائه می‌گردد. آنگاه بخش پنجم به برآورد و تجزیه و تحلیل داده‌ها اختصاص یافته است. در نهایت و در بخش پایانی جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی ارائه گردیده است.

۲- مبانی نظری

در دنیای رو به رشد امروزی توسعه رقابت و کاهش قدرت بازاری بنگاه‌ها پیش‌شرط لازم برای پویایی اقتصاد و عنصر ضروری در عملکرد مناسب بازار شناخته می‌شود؛ زیرا کاهش قدرت بازاری بنگاه‌ها و شیوه مناسب حکمرانی شرکتی، علاوه بر تأمین دستاوردهای اقتصادی می‌تواند به توسعه مشارکت در بخش خصوصی، افزایش تنوع، آزادی انتخاب، افزایش اشتغال و رفاه مصرف‌کنندگان و به‌تبع آن جذب منابع و پس‌انداز سرگردان سرمایه‌گذارن و انتقال آنها به بخش مولد ختم شود. درحالی‌که گسترش قدرت بازاری افزایش قیمت، کاهش تولید، عدم دسترسی برخی از افراد جامعه به کالا و خدمات و کاهش رفاه مصرف‌کنندگان را به دنبال دارد؛ بنابراین، بسیاری از کشورها، مسیر توسعه خود را از طریق ارتقای رقابت دنبال می‌کنند. همچنین، تجربه بیشتر کشورهای دنیا نشان داده است که رشد کشورهای صنعتی ارتباط معنی‌داری با بازار مالی دارد. درحالی‌که دلیل اصلی عقب‌ماندگی کشورهای توسعه‌نیافته مرهون نهادینه نبودن بازارهای مالی، مدیریت غیرکارآمد، حکمرانی نامناسب، عدم نظارت دقیق بر مدیران و وجود رفتارهای غیررقابتی در بازار می‌باشد.

بررسی ادبیات نظری در حوزه روابط بین مارک‌آپ و اجتناب مالیاتی پیچیده و تا حدودی مبهم است. با عنایت به تئوری‌های نمایندگی و جدایی مدیریت و مالکیت ملاحظه می‌شود که اثر قدرت بازاری بر اجتناب مالیاتی می‌تواند مثبت یا منفی باشد؛ بنابراین در این خصوص دو دیدگاه می‌توان ارائه نمود. در دیدگاه اول که وجود رابطه مثبت بین دو متغیر تایید می‌شود اعتقاد بر این است که سهامداران دارای قدرت بازاری با فشار بر سودآوری بنگاه‌ها این انگیزه را در مدیران ایجاد می‌کند که به‌منظور حفظ سودآوری، افزایش ارزش و ثروت بنگاه‌ها در جهت منافع سهامداران حرکت کنند و ضمن ممانعت از خروج دارایی‌های نقدی از این وجوه برای سرمایه‌گذاری در دستیابی به دانش و انجام اجتناب مالیاتی بیشتر استفاده کنند (کای و لیو[1]، ۲۰۰۹). در حقیقت، گسترش مارک‌آپ و رفتار غیررقابتی باعث تسلط بنگاه‌ها بر بازار و ایجاد مصونیت از ترس رقبا شده و آن‌ها را در حاشیه امن قرار می‌دهد بنابراین بنگاه‌های مسلط بر بازار نگرانی برای کاهش سود نخواهند داشت؛ زیرا رهبران این بنگاه‌ها با در اختیار داشتن بازار و ایجاد موانع طبیعی در مقابل بنگاه‌های بالقوه و تازه‌واردین انگیزه مدیران برای اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهند. در واقع قدرت بازاری درجه‌ای از مصونیت را برای بنگاه در برابر تهدیدهای رقبا فراهم می‌کند که این مصونیت باعث ایجاد فرصت گسترده و انگیزه بالقوه برای درگیری در فعالیت پرریسک اجتناب مالیاتی را امکان‌پذیر می‌کند. معمولا بنگاهی که قدرت بازاری بیشتری دارد، توان تحمل ریسک فعالیت اجتناب مالیاتی را دارد، بنابراین تلاش می‌کند از این طریق ارزش شرکت را افزایش دهد. اما باوجود منافع ناشی از این فعالیت‌ها، بنگاه‌های زیادی به خاطر ریسک بالا در این فعالیت‌ها درگیر نمی‌شوند. همچنین شواهد مشهود نشان می‌دهد که بنگاه‌های با سود هموار و باثبات نیز همانند بنگاه‌های با قدرت بازاری بالا می‌توانند مزایای اجتناب مالیاتی را پیش‌بینی و از آن بهره ببرند (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵؛ کیم[2] و همکاران، ۲۰۱۱). در

1 . Cai and Lui
2 . Kim et al.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

استدلالی دیگر پرس[1] (۲۰۱۰) بیان می‌کند که بنگاه دارای قدرت بازاری می‌تواند با ایجاد محیط طبیعی اقتصادی از عهده شوک‌های منفی مصرف‌کنندگان برآید؛ چون بنگاه دارای قدرت بازاری با افزایش قیمت محصول باعث مصونیت در برابر شوک‌های منفی می‌شود و این امنیت می‌تواند منجر به درآمد ملایم و قابل پیش‌بینی با ریسک بیشتر شود. چنین بنگاه‌هایی با نگرانی کمتر از پیامدهای منفی که برنامه‌ریزی‌های مالیاتی ناموفق برایشان به بار آورده است می‌توانند انگیزه بالاتری برای پیاده‌سازی برنامه‌های اجتناب مالیاتی داشته باشند؛ در حالیکه چنین تجربه ناموفقی برای بنگاه در بازار رقابتی و شوک‌های حاصل از آن می‌تواند تبعات جبران ناپذیری به‌همراه داشته باشد (مک‌گیر[2] و همکاران،۲۰۱۴). علاوه براین هو و رابینسون[3] (۲۰۰۶) با تکیه بر نوآوری استدلال می‌کنند که قدرت بازاری با بازدهی انتظاری بالاتر و ارتقای نوآوری مرتبط است. به‌گونه‌ای که ارتقای نوآوری، بنگاه‌های حاشیه‌ای را به سمت فعالیت نوآورانه مخاطره‌آمیز و مانع ورود بالاتر هدایت می‌کند و مدیران با محافظت از بنگاه‌ها در برابر کاهش ریسک، جهت حفظ موقعیت و ارزش ثروت سرمایه‌گذاران در بازار به اجتناب مالیاتی بیشتر روی می‌آورند.

در دیدگاه دوم که بیان می‌کند رابطه منفی بین قدرت بازاری و اجتناب مالیاتی وجود دارد اعتقاد براین است که هرچه رقابت در بازار کمتر و بنگاه‌ها وضعیت انحصاری داشته باشند، کمتر خود را درگیر فعالیت اجتناب مالیاتی می‌کنند و بالعکس. به‌عبارت دیگر هرچه ساختار بازار رقابتی‌تر باشد تعداد بیشتری بنگاه جهت دستیابی به سود و ارزش بالاتر به تولید و فروش محصول همگن پرداخته و بیشتر درگیر فعالیت اجتناب مالیاتی می‌شوند. به‌طورکلی بنگاه‌های رقابتی به‌منظور حفظ منابع مالی در شرایط اضطراری و سرمایه‌گذاری در مواقع لزوم باید انگیزه قوی‌تری برای اجتناب مالیاتی داشته باشند (میلز[4]، ۲۰۱۷). از طرفی در اقتصادهای نوظهور رقابت هزینه صاحبان سهام را از طریق بهبود بهره‌وری و کارایی کاهش می‌دهد. همچنین رقابت با شدت نوآوری بالا، کارایی بالای تولید، انگیزه مدیریتی و شیوه حکمرانی قوی خارجی مرتبط است و به‌عنوان سازوکار حکمرانی خارجی دارای اثر تنظیمی بر بازار بوده که نظم و قوانینی را بر مدیران تحمیل می‌کند. در حقیقت، افزایش رقابت انگیزه کاهش هزینه نمایندگی و اجتناب مالیاتی را بدنبال خواهد داشت زیرا سهامداران با قرار گرفتن در جریان فعالیت مدیران، طراحی عوامل انگیزشی بهینه و برنامه‌های تشویقی مانع سستی و تنبلی مدیران می‌شوند یعنی با افزایش رقابت انگیزه مدیران و سهامداران همسو می‌شود. مجموع این عوامل کاهش هزینه صاحبان سهام، دستکاری و مدیریت سود توسط مدیران را بدنبال دارد. ازاین‌رو ساختار بازار رقابتی این انگیزه را در مدیران ایجاد می‌کند که از طریق اجتناب مالیاتی وجه نقد بیشتری برای سرمایه‌گذاری و سبقت گرفتن از رقبا در اختیار داشته باشند درنتیجه این بنگاه‌ها به اجتناب مالیاتی بیشتر مبادرت می‌ورزند (چن[5] و همکاران، ۲۰۱۴).

علاوه براین در خصوص حکمرانی شرکتی می‌توان اذعان نمود که حکمرانی شرکتی در رویکرد سنتی ترکیبی از سازوکارهایی است که مدیران، بنگاه را برای منافع یک یاچند سهامدار اداره می‌کنند و تعریف گسترده‌تر آن مجموعه سهامداران، مدیران، تامین‌کنندگان مالی، هیأت مدیره، ذینفعان و سایر بخشهایی که فعالیت‌شان توسط بنگاه اداره می‌شود. در واقع، حکمرانی شرکتی مفهوم چند بعدی و عنصری اساسی در افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و ارتقای حس رقابتی است. از طرفی جنبه‌های مختلف حکمرانی شرکتی شامل همسویی انگیزه مدیران و سهامداران[6]، موقعیت هیات مدیره[7]، ساختار مالکیت[8] سهامداران نهادی[9]، فشار بازار سرمایه[10]، حسابرسی[11]، روابط اجرایی و دولتی[12] و فشار سایر ذینفعان که می‌توانند بر اجتناب مالیاتی موثر باشند.

بررسی ادبیات نظری روابط بین حکمرانی شرکتی و اجتناب مالیاتی موید آن است که این ارتباط تا حدی مبهم است و با بهره‌مندی از تئوری نمایندگی سهامداران[13]، تئوری کلاسیک نمایندگی مدیران[14] و تضاد نمایندگی قابل تفسیر است و نشان می‌دهد که روابط بین دو متغیر مذکور می‌تواند مثبت، منفی یا U معکوس باشد. دیدگاه اول و در چارچوب تئوری تضاد نمایندگی[15] اعتقاد براین است که کارگزاران و مدیران ممکن است سطوح متفاوت اجتناب مالیاتی را انتخاب کنند. یعنی مدیران ممکن است سطح بالایی از اجتناب مالیاتی که منجر به افزایش جریان نقد پس از کسر مالیات و یا سطح پایینی از اجتناب مالیاتی که منجر به ریسک سرمایه‌گذاری کمتر بنگاه می‌شود را انتخاب کنند. علاوه براین، در تئوری کلاسیکی

1 . Peress
2 . Mcguire et al.
3 . Hou and Robinson
4 . Mills

5 . Chen, et.al
6.Incentive Alignment between Management & Shareholders
7 . Board Composition
8. Ownership Structure
9 . Corporate Stochholder
10 . Capital Market Pressure
11 . Audit
12 . Enforcement &Government Relations
13 . Stokeholder Agency Theory
14 . Principal-Agency Theory
15 . gency Conflicts

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نمایندگی مدیران ملاحظه می‌شود مدیران ثروت خود را در پرتفوی با تنوع زیاد نگهداری می‌کنند و می‌توانند نسبت به ریسک خنثی باشند. این ویژگی اگرچه برای تمامی سهامداران ضروری نیست؛ اما برای سهامداران با پرتفوی متنوع مناسب است. براساس این تئوری انتظار می‌رود به‌دلیل آنکه سهامداران بزرگ معمولا ثروتشان در دست تعداد اندکی بنگاه متمرکز است به‌شدت ریسک‌گریز بوده و کمتر در فعالیت‌های پرریسک مانند اجتناب مالیاتی شرکت می‌کنند ولی مالکان ریسک‌پذیر سطح بالای اجتناب مالیاتی را می‌پذیرند (کوورمن و ولت، ۲۰۱۹). در این خصوص دسای و دارماپالا[1] (۲۰۰۶) معتقدند که بهره‌برداری از منافع مدیریتی و اجتناب مالیاتی می‌توانند مکمل یکدیگر باشند به‌گونه‌ای که اگر شفافیت اطلاعاتی بنگاه کاهش یابد فرصت طلبی مدیران برای انحراف منافع سهامداران به سمت منافع شخصی افزایش می‌یابد. آنها بحث می‌کنند که بنگاه‌های با حکمرانی خوب احتمالا سازوکار کنترل درونی را برای ممانعت از چنین انحرافاتی بکار می‌برند؛ ازاین‌رو رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و انگیزه هماهنگی مدیران و سهامداران وجود دارد؛ در مقابل بنگاه‌های با حکمرانی ضعیف بدلیل فقدان سازوکار درونی برای جلوگیری از انحراف مدیران انگیزه هماهنگی بین مدیران و سهامداران را نخواهند داشت. در مقایسه با دیدگاه اول، برخی از محققین معتقدند که براساس تئوری نمایندگی، اجتناب مالیاتی یکی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری پرخطر در دسترس مدیران است و مشابه با دیگر تصمیمات سرمایه‌گذاری، عدم حل مشکلات نمایندگی باعث می‌شود مدیران سطحی از اجتناب مالیاتی متفاوت از خواسته سهامداران را ترجیح دهند؛ بنابراین بنگاه‌هایی که مدیران آنها انگیزه ریسک‌پذیری بالاتری دارند بیشتر فعالیت اجتناب مالیاتی را بکار می‌برند (آرمسترنگ[2] و همکاران، ۲۰۱۵).

شلیفر و ویشنی[3] (۱۹۹۷) نیز معتقدند که مالکان نهادی ممکن است روی عملکرد بنگاه و اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که اگر سرمایه‌گذاران نهادی[4] نسبت به سرمایه‌گذاران فردی به‌عنوان ناظران موثرتری در مقابل عملکرد مدیران عمل کنند؛ به‌علت نفع مالی زیاد ناشی از سرمایه‌گذاری در بنگاه نه تنها انگیزه بیشتری برای نظارت بر بنگاه دارند بلکه تخصص بالاتری نیز برای نظارت در جهت افزایش ارزش شرکت و کاهش هزینه سهام دارند. بنابراین انگیزه برای اجتناب از مالیات افزایش می‌یابد. از طرفی زمانی‌که سرمایه‌گذاران نهادی برخلاف وظیفه حرفه‌ای خود با مدیران برای رسیدن به منافعشان همکاری کنند بدلیل آنکه انگیزه مدیران در جهت تامین منافع شخصی است این امر منجر به کاهش نظارت بر فعالیت مدیران شده و انگیزه اجتناب مالیاتی نیز کاهش می‌یابد (جیانگ[5] و همکاران، ۲۰۲۰).

در دیدگاه سوم، ریچاردسون[6] و همکاران (۲۰۱۶) با ترکیب دو دیدگاه فوق مشاهده نمودند که رابطه ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی به‌صورت U معکوس می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

مطالعات تجربی زیادی در رابطه با تاثیر قدرت بازاری و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی در داخل و خارج از کشور انجام شده که نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند که در ادامه به‌طور اجمالی مرور می‌شود.

کر[7] و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و تصادفی مقاطع به بررسی حکمرانی شرکتی و اجتناب مالیاتی برای ۹۲۸ مشاهده بنگاه-سال در مکزیک پرداختند. آنها در مطالعه خود دریافتند که شرکت‌های با حکمرانی قوی‌تر درگیر اجتناب مالیاتی کمتری هستند. تحلیل‌های تکمیلی نشان می‌دهد که ارتباط بین حکمرانی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های خانوادگی نسبت به هزینه مالیاتی حساس و در شرکت‌های غیربورسی، حکمرانی ضعیف‌تر است. همچنین افزایش ۱٪ انحراف معیار در حکمرانی شرکت با افزایش ۱ تا ۳٪ نرخ موثر مالیاتی مطابقت دارد. علاوه براین استقلال هیئت مدیره و کمیته‌های حسابرسی به عنوان کانال‌های کاهش اجتناب مالیاتی شناسایی شدند.

مارتین[8] و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای به بررسی تمرکز صنعتی و اجتناب مالیاتی بنگاه‌های آمریکا در نیمه دهه ۱۹۹۰ پرداختند. آنها با بهره‌گیری از روش علیت و مدل رگرسیون خود توضیح با وقفه گسترده پنلی استدلال نمودند که اجتناب مالیاتی بنگاه‌های بزرگ به افزایش ۲۵ درصدی تمرکز سهامداران کمک کرده است. از طرفی اجتناب مالیاتی یک مزیت رقابتی را برای بنگاهای بزرگ ایجاد نموده که به سهم بازاری بیشتر

1. Desai and Dharmapala
2 . Armestrong, et al
3. Shleifer and Vishny
4 . Institutional investors
(سرمایه گذاران بزرگ نظیر بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی و ... هستند که در هر بنگاه مالک بیش از ۵٪ سهام آن بنگاه باشند).

5 . Jiang et al.
6 . Richardson et al.
7 . Kerr, et al.
8 . Martin, et al.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

تفسیر می‌شود. همچنین جهت علیت از اجتناب مالیاتی به سمت فروش بنگاه است. همچنین اگر شرکت‌ها در سال ۲۰۱۷ به اجتناب مالیاتی متوسل نمی‌شدند میانگین تمرکز صنعت به ۸/۳ درصد کاهش می‌یافت.

ازجیوفور و ازنوافر[1] (۲۰۲۰) در مقاله‌ای به بررسی حکمرانی و اجتناب مالیاتی مواد غذایی و آشامیدنی نیجریه برای ۹ بنگاه فعال در این حوزه طی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۳ می‌پردازند. نتایج مطالعه آنها با استفاده از تکنیک رگرسیون حداقل مربعات معمولی پانلی (LSDV) نشان داد که حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی این شرکت‌ها دارای تاثیر مثبت و معنادار است. از طرفی در این مطالعه عدم‌جدایی مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره ممکن است منجر به سطوح بالاتر اجتناب مالیاتی شود و فرصتی برای رانت خواری مدیران با توجه به نقش مسلط آنها و اطمینان از عدم نظارت کافی ایجاد کند.

چیتیس[2] و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی، ویژگی شرکت و حکمرانی شرکتی در کشور یونان پرداختند. در این مطالعه آنها از داده‌های ۵۶ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار آتن در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۵ و تکنیک رگرسیون با اثرات تصادفی استفاده نمودند. نتایج تحقیق آنها موید آن است که نرخ مالیات موثر نقدی با اندازه شرکت رابطه مثبت و با بازده سرمایه رابطه منفی معناداری دارند. در مجموع نتایج تحقیق نشان داد که شرکت‌های بزرگ یونانی اجتناب مالیاتی کمتری دارند، در حالی‌که در شرکت‌های با بازده سرمایه بالا اجتناب مالیاتی بیشتر است. همچنین شاخص‌های حکمرانی شرکتی از نظر آماری تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی نداشتند.

شین و پارک[3] (۲۰۱۹) در مقاله‌ای به بررسی عوامل سطح صنعت مانند رقابت در بازار تولید و اجتناب مالیاتی با توجه به نقش واسطه‌ای حکمرانی شرکتی می‌پردازند. آنها از مدل رگرسیون تابلویی با اثر ثابت دوطرفه و داده شرکت‌های سهامی عام فعال در بورس کشور کره طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۱۶ استفاده نمودند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که رقابت در بازار تولید رابطه منفی با اجتناب مالیاتی دارد. علاوه براین رابطه منفی بین رقابت و اجتناب مالیاتی برای بنگاه‌های با هیئت مدیره مستقل و بنگاه‌هایی که کمیته حسابرسی آن از مدیران خارجی تشکیل شده بیشتر است، آشکارتر است. این یافته ها حاکی از آن است که رقابت زمانی مؤثرتر عمل می‌کند که در شرکت استقلال هیئت مدیره و استقلال کمیته حسابرسی قوی باشد. شواهد موجود رابطه مکمل بین سیستم حکمرانی داخلی و رقابت در بازار را تایید می‌کند.

ویدیاستیوتی[4] و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود به بررسی اثر سازوکار حکمرانی شرکت بر اجتناب مالیاتی در صنایع تولیدی بورس اوراق بهادار اندونزی در سال‌های ۲۰۱۶- ۲۰۱۲ می‌پردازند. آنها از نمونه‌ای شامل ۸۷ صنعت، ۴۳۵ بنگاه و تکنیک علیت دمتریسکو هارلین[5] برای دستیابی به این هدف استفاده نمودند. آنها در مطالعه خود دریافتند که تاثیر شاخص هیات مدیره و مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی منفی و معنی داری است.

یی[6] و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای به بررسی ارتباط اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با نقش واسطه‌ای حاکمیت شرکتی در عصر دیجیتال پرداختند. در این مطالعه از روش تحلیل رگرسیون خطی مقطعی و داده ۸۲ شرکت سهامی عام در مالزی در سال ۲۰۱۴ استفاده شد. نتایج مطالعه آنها نشان داد که اجتناب مالیاتی، ارزش شرکت را کاهش داده و حکمرانی شرکتی نقش تعدیلگر ایفا می‌کند. علاوه براین عواقب منفی اثرات اجتناب مالیاتی بر ارزش بنگاه در زمان درگیری بنگاه در برنامه‌های مالیاتی تهاجمی شدیدتر است.

بایار[7] و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی حکمرانی شرکتی، اجتناب مالیاتی و محدودیت‌های مالی کشور کانادا در بازه زمانی ۱۹۹۰- ۲۰۱۵ پرداختند. آنها در مطالعه خود از داده‌های ۱۳۴۶ بنگاه و تکنیک حداقل مربعات دو مرحله‌ای 2SLS استفاده نمودند. نتایج مطالعه گویای آن است که در شرایط حکمرانی ضعیف، اجتناب مالیاتی با محدودیت و مشکلات مالی بیشتر همراه است اما در شرکت‌های با حاکمیت قوی اجتناب مالیاتی باعث کاهش محدودیت مالی نشده است. علاوه براین، زمانیکه بنگاه‌ها با مشکلات هزینه نمایندگی بالقوه و عدم‌شفافیت اطلاعاتی مواجه‌اند، مکانیسم‌های حکمرانی شرکتی قوی‌تر می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا نتایج منفی اجتناب مالیاتی را کاهش دهند.

دایرنگ[8] و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود اجتناب مالیاتی را در شرایطی که قدرت بازاری بنگاه به سهامداران، اجازه انتقال بارمالیاتی به کارگران یا مصرف‌کنندگان می‌دهد را بررسی نمود. آنها از تکنیک رگرسیون تابلویی با اثرات ثابت و تصادفی و داده‌های ۵۶۹۰ بنگاه در بازه زمانی ۱۹۹۶- ۲۰۱۵ مربوط به کشورهای OECD استفاده نمودند. نتایج تحقیق آنها نشان

1 . Ezejiofor & Ezenwafor
2 . Chytis, et al.
3 . Shin & Park
4 . Widyastuti et al.
5 . Dumitrescu & Hurlin
6 . Yee et al.
7 . Bayar et al.
8 . Dyreng et al.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دارد که بسته به شرایط مدل، اثر قدرت بازاری بر اجتناب مالیاتی افزایش یا کاهش می‌یابد. علاوه براین شرکت‌های با قدرت بازاری بالا از اجتناب مالیات کمتری نسبت به شرکت‌های با قدرت بازاری پایین برخوردارند. همچنین یافته‌های آنها نشان داد که شرکت‌های با قدرت بازاری بالا نرخ موثر مالیاتی بالایی دارند و قادرند بار مالیاتی را به کارگران انتقال دهند و سود پس از مالیات را به حداکثر برسانند.

پنگ و ژو[1] (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر قدرت بازاری محصول بر اجتناب مالیاتی در بخش معدن چین در سال‌های ۲۰۰۰– ۲۰۱۳ پرداختند. آنها در مطالعه خود با استفاده از تکنیک رگرسیون تابلویی با اثرات تصادفی به این نتیجه رسیدند بنگاه‌هایی که در بازار قدرتمندترند تمایل دارند استراتژی‌های مالیاتی تهاجمی‌تری را اتخاذ نمایند. تحقیقات بیشتر نشان می‌دهد در شرایط رقابتی نیز همچنان همبستگی مثبت بین قدرت بازاری و اجتناب مالیاتی در بخش معدن وجود دارد.

پورقربان (۱۴۰۰) در مطالعه خود با بهره‌گیری از داده‌های صنایع فلزات پایه‌ای در سال‌های ۹۶–۱۳۸۳ و رویکرد هال–راجرز به اندازه‌گیری مارک‌آپ در صنعت فلزات اساسی ایران پرداخت. نتایج تحقیق وی موید آن است که صنعت تولید فلزات گرانبها و سایر فلزهای غیرآهنی با شاخص لرنر ۰/۷۶ و مارک‌آپ ۴/۱۶ بیشترین و صنعت ریخته‌گری فلزات غیرآهنی با مارک‌آپ ۱/۱۶ دارای کمترین قدرت بازاری بوده است. علاوه بر این در نیمی از صنعت فلزات پایه نسبت تمرکز ۴ بنگاه برتر بیش از ۴۰ درصد و نیمی دیگر کمتر از آن بوده است.

میکاییلی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به بررسی مارک‌آپ و قدرت بازاری صنعت ایران با استفاده از رویکرد مرز تصادفی پرداختند. آنها از داده‌های ۱۳۰ صنعت کد چهاررقمی ISIC در سال‌های ۹۴–۱۳۷۵ استفاده نمودند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که اکثر صنایع از ساختار انحصار چندجانبه برخوردارند. در ۱۴ درصد صنایع نسبت مارک‌آپ پایین و در ۸۶ درصد به شدت بالاست و بازار در دست تعداد محدودی از فعالان متمرکز است.

فرجی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌خود به بررسی تأثیر قابلیت مقایسهٔ صورتهای مالی بر اجتناب مالیاتی با نقش تعدیل‌گر رقابت می‌پردازند. آنها از اطلاعات ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۶ – ۱۳۹۱ و تحلیل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی با اثر ثابت دوطرفه استفاده نمودند. نتایج مطالعه آنها گویای آن است که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به‌منزلهٔ یک سازوکار حاکمیت شرکتی از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران مانند اجتناب مالیاتی ممانعت می‌کند. همچنین، ارتباط منفی بین قابلیت مقایسه و اجتناب مالیاتی در بنگاه‌هایی که در صنایع با رقابت بالا فعالیت می‌کنند به‌شدت کمتر است. این نتیجه تأیید می‌کند فشار رقابتی، انگیزهٔ مدیران برای اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد زیرا از این طریق وجوه نقد بیشتری به‌منظور سرمایه‌گذاری و سبقت‌گرفتن از رقبا در اختیار دارند.

خیرخواه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارزیابی ارتباط تمرکز و قدرت بازار محصول و سیاست تقسیم سود ۴۹۸ بنگاه فعال بورسی پرداختند. آنها در مطالعه خود با استفاده از روش داده‌های تابلویی و آزمون مدل‌های رگرسیون لجستیک چند متغیره طی سال‌های ۹۴–۱۳۸۹ به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معناداری بین تمرکز و قدرت بازاری با سود تقسیمی بنگاه‌ها وجود دارد؛ یعنی با افزایش تمرکز بازاری تمایل بنگاه‌ها به تقسیم سود نیز افزایش می‌یابد.

حمیدیان (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی ابعاد مختلف حکمرانی شرکتی و اجتناب مالیاتی ۱۳۶ بنگاه فعال بورسی در سال‌های ۱۳۸۴– ۱۳۹۲ پرداختند. آنها در مطالعه خود با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیری تلفیقی دریافتند که بین نسبت اعضاء غیرموظف هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی و همچنین بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در بنگاه و اجتناب مالیاتی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. درحالیکه رابطه مثبت بین نوسان‌پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیئت‌مدیره، سهام تحت تملک اعضای هیئت‌مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی تایید گردید. علاوه براین بین ریسک تجاری پایین، تفکیک مدیر عامل از اعضا و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

مردانی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی پرداختند. آنها در مطالعه خود جهت آزمون فرضیه پژوهش از نمونه‌ای متشکل از ۹۷ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران طی سال‌های ۱۳۹۰–۱۳۹۴ و الگوی رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی با اثرات ثابت بهره گرفتند. همچنین در این مقاله از دو معیار نرخ موثر مالیاتی و تفاوت ارزش دفتری مالیات برای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده شد. نتایج نشان داد که تمرکز مشتری منجر به افزایش اجتناب مالیاتی بنگاه‌ها می‌شود؛

1 . Peng and Xu

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بنگاه های برخوردار از تمرکز مشتری، ریسک بالاتری را در جریانات نقدی تجربه نموده و تمایل بیشتری برای نگهداشت وجه نقد و اجتناب مالیاتی بالا دارند.

خدامی‌پور و بزرایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر رقابت بر اجتناب مالیاتی ۷۸ بنگاه فعال بورس تهران طی سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۳ پرداختند. آنها در مطالعه خود از شاخص‌های نرخ موثر مالیاتی به‌عنوان معیار اجتناب مالیاتی و شاخص هزینه ورود و هرفیندال برای سنجش رقابت استفاده نمودند. نتایج مطالعه با مدل رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی اثرات تصادفی موید آن‌است که بین شاخص هزینه ورود و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای منفی و معنادار وجود دارد. اما در خصوص رابطه شاخص هرفیندال و اجتناب مالیاتی نتایج معناداری یافت نشد.

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر مبانی و ادبیات موضوع به بررسی تأثیر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. بنابراین از نظر هدف جزء، پژوهش‌های کاربردی و از نظر روش پژوهشی توصیفی و دسته تحلیل رگرسیون خطی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ می‌باشد. برای انتخاب نمونه ابتدا به روش حذف سیستماتیک شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه-های مالی، بانک‌ها و لیزینگ به علت اینکه محصولی را به فروش نمی‌رسانند و سپس بنگاه‌های که داده‌های آنها توسط پایگاه داده‌های آماری و کتابخانه بورس جمع‌آوری نشده، حذف گردیده است؛ به عبارت دیگر ۱۰۰ بنگاه تولیدی که داده‌های آنها در دسترس بوده و در سال‌های مطالعه وقفه مالی نداشته‌اند؛ نمونه آماری ما را تشکیل می‌دهد.

۴-۱- معرفی مدل تحقیق

همانطوری‌که بیان شد تحقیق حاضر تلاش دارد به بررسی اثرات مارک‌آپ (قدرت بازاری) و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های بورسی ایران بپردازد؛ بدین منظور به مدل مستدلی نیاز است که بتواند چگونگی اثرگذاری و ارتباط بین متغیرهای مذکور را به خوبی نشان دهد؛ بنابراین با الهام از مبانی نظری برگرفته از مدل کوییک و همکاران (۲۰۱۵) و عبدالفاتح و عبود[1] (۲۰۲۰) معادله رگرسیونی جهت آزمون فرضیه‌های تحقیق تبیین شده تا بتواند اثرات همزمان دو متغیر قدرت بازاری و حکمرانی شرکتی در کنار سایر متغیرهای کنترلی به‌عنوان عوامل موثر بر اجتناب مالیاتی ارزیابی نماید. الگوی مورد استفاده این تحقیق به شرح زیر است.

$$\begin{aligned} Taxavoid_{it} &= \beta_i + \beta_1 Pcm_{it} \\ &+ \beta_2 gov_{it} + \beta_3 Roa_{it} \\ &+ \beta_4 Size_{it} + \beta_5 Ppe_{it} \\ &+ \beta_6 Nol_{it} + \beta_7 Lev_{it} \\ &+ \beta_8 RD_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (۱)$$

به‌طوری‌که i, t بیانگر زمان و بنگاه مورد نظر $Taxavoid_{it}$ اجتناب مالیاتی، Pcm_{it} مارک‌آپ (قدرت بازاری بنگاه)، gov_{it} شیوه حکمرانی شرکتی، Roa_{it} بازده دارایی، $Size_{it}$ اندازه بنگاه، Ppe_{it} موجودی دارایی سرمایه‌ای، Nol_{it} سود یا زیان عملیاتی، Lev_{it} اهرم مالی، RD_{it} مخارج تحقیق و توسعه و ε_{it} جمله اخلال می‌باشد.

۴-۲- تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

قبل از برآورد مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها لازم است نحوه محاسبه متغیرهای تحقیق عملیاتی و تشریح گردد که در ادامه به این مهم پرداخته شده است.

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی: در این پژوهش برای محاسبه اجتناب مالیاتی از تفاضل نرخ موثر مالیاتی و نرخ رایج مالیات بنگاه‌های بورسی که براساس قانون مالیات مستقیم ۲۲/۵ درصد می‌باشد، استفاده شده است لازم به ذکر است که نرخ موثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی از نسبت زیر محاسبه می‌شود. (کورمن و ولت، ۲۰۱۹؛ کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

$$\begin{aligned} ERT &= \frac{Tax\ Expense}{pretax\ book\ incom} \\ Taxavoid &= ERT - 0.225 \end{aligned} \quad (۲)$$

به‌طوری‌که در رابطه فوق Tax Expense بیانگر هزینه مالیاتی پایان سال و Pertax book incom درآمد دفتری قبل از مالیات می‌باشد.

متغیرهای مستقل

مارک‌آپ (قدرت بازاری): متعارف ترین معیار سنجش قدرت بازاری است و به توانایی بنگاه در تعیین قیمت بالاتر از هزینه نهایی اشاره دارد و می‌توان با بهره‌گیری از این شاخص درجه رفتارهای غیررقابتی را اندازه گرفت؛ مرسوم آن است که این شاخص مقادیر بین صفر و یک را اختیار کند به‌گونه‌ای که

1 . Abdelfattah & Aboud

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقادیر یک بیانگر رفتار انحصاری و مقادیر صفر رفتار رقابتی و حد فاصل آنها درجه متفاوتی از رفتارهای غیررقابتی را نشان می‌دهد. این شاخص از نسبت سود عملیاتی (فروش $(Sale)$ منهای بهای تمام شده کالای فروش رفته$(CoGs)$ منهای هزینه عمومی، اداری و فروش (SGA)) به فروش براساس رابطه زیر محاسبه می‌گردد (شارما[1]، ۲۰۱۱).

$$PCM = LI = \frac{Sale - CoGs - SGA}{Sale} \qquad (۳)$$

$$\mu = 1/1 - LI$$

حکمرانی شرکتی:

به چگونگی اداره بنگاه توسط مدیران در جهت منافع سهامداران اشاره دارد. سهامداران نهادی یکی از معیارهای تعیین شیوه حکمرانی شرکتی است که موید تعداد سهام عادی هر بنگاه که در اختیار بانک‌ها،بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، موسسات سرمایه‌گذاری و سایر شرکت‌های تجاری قرار دارد. این معیار از نسبت تعداد سهام سهامداران نهادی (n) بر کل سهام عادی بنگاه در ابتدای دوره m محاسبه می‌شود (مدرس و همکاران، ۱۳۸۸).

$$CRH = \frac{n}{m} \qquad (۴)$$

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t بدست می‌آید.

$$\text{Size=Log(Asset Book Value)} \qquad (۵)$$

موجودی سرمایه: مجموع ابزار، ماشین آلات و تشکیلات تولیدی یا به عبارتی مجموع دارایی‌های ثابت تقسیم بر کل دارایی‌ها می‌باشد (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

اهرم مالی: از نسبت کل بدهی بلندمدت به دارایی‌های بلندمدت بدست می‌آید (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

مخارج تحقیق و توسعه: مخارج مربوط به بخش تحقیقات و آزمایشگاهی بنگاه‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها را شامل می‌شود (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

سود یا زیان عملیاتی: از نسبت سود یا زیان ناشی از انجام فعالیت‌های بنگاه بر دارایی کل محاسبه می‌شود (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

1 . Sharma

نرخ بازده دارایی: از نسبت درآمد دفتری پس از کسر مالیات بر دارایی کل بدست می‌آید (کوبیک و همکاران، ۲۰۱۵).

۵- برآورد مدل و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانطوری‌که در بخش قبلی بیان شد تحقیق حاضر با بهره-گیری از داده‌های ۱۰۰ بنگاه فعال بورسی در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۹۰ ارتباط و چگونگی اثرگذاری مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی بر اجتناب مالیاتی را ارزیابی می‌کند. البته قبل از برآورد مدل اطمینان از کاذب نبودن رگرسیون امری ضروری است؛ در این راستا پسران[2] (۲۰۱۲) عکس‌العمل مناسب متغیرها برای جلوگیری از رگرسیون ساختگی را به اندازه نسبی T , N نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که در مدل‌های پانل ناهمگن[3] با N بزرگ (N>30) و T< ۱۵ بررسی درجه هم‌انباشتگی و انجام آزمون مانایی متغیرها لازم نیست و می‌توان بدون بررسی مانایی نسبت به برآورد مدل اقدام نمود، از آنجایی‌که مطالعه حاضر تعداد مقاطع N=۱۰۰ و بازه زمانی ۸ ساله از T=۱۵ کمتر است می‌توان تنها با انجام آزمون‌های تشخیصی به برآورد مدل نهایی پرداخت. در ابتدا باید نسبت به تشخیص پول یا پانل[4] بودن مدل اقدام نمود که بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می‌شود در این آزمون فرضیه صفر زائد بودن اثرات ثابت را نشان می‌دهد. سپس در صورت پانل بودن داده‌ها، مدل از نظر پانل با اثرات ثابت و تصادفی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این شرایط می‌توان از آزمون هاسمن استفاده کرد که نتایج مربوط به این آزمون‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. آزمون‌های تشخیصی F لیمر و هاسمن

آزمون	آماره	سطح معناداری	رد یا پذیرش فرضیه صفر
F لیمر	۸/۳۷	(۰/۰۰۰)	رد فرضیه
هاسمن	۲۲/۸۴	(۰/۰۰۴)	رد فرضیه

ماخذ: محاسبات جاری پژوهش

نتایج جدول (۱) با توجه به مقدار آماره F لیمر و سطح احتمال مربوطه فرضیه صفر آزمون را که زائد بودن اثرات ثابت است رد شده پس الگوی تخمینی مدل تلفیقی نبوده و از نوع پانلی است. همچنین آزمون هاسمن ارجحیت مدل پانل با

2 . Pesaran
3 . Heterogeneous Panel Data Models
4 . Pool & Panel Models

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی در سطح احتمال ۵٪ را تایید می‌کند. علاوه بر این آزمون خودهمبستگی و واریانس همسانی بین جملات اخلال برای تایید فروض اقتصاد کلاسیک و تخمین مدل نهایی انجام شد که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. آزمون‌های خودهمبستگی و واریانس همسانی

آزمون	آماره	سطح معناداری	رد یا پذیرش فرضیه صفر
عدم خودهمبستگی	۷۶۱۵/۶	(۰/۰۰۰)	رد فرضیه صفر
همسانی واریانس	۱۷۵/۸۳	(۰/۰۰۰)	رد فرضیه صفر

ماخذ: محاسبات جاری پژوهش

نتایج جدول (۲) بیانگر رد آزمون عدم‌خودهمبستگی و واریانس همسانی است؛ به‌عبارت دیگر خودهمبستگی مرتبه اول و ناهمسانی واریانس بین جملات خطا وجود دارد که با وزن‌دهی مقاطع و وارد کردن متغیر وابسته با وقفه و یا جمله AR(1) می‌توان این مشکل را برطرف نمود. البته در اقتصادسنجی مدرن برای برطرف نمودن همزمان دو مشکل مذکور از تخمین مدل نهایی به روش حداقل مربعات تعمیم یافته عملی[1] (FGLS) استفاده می‌شود که نتایج مربوط به برآورد در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل نهایی به روش FGLS

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
Constant	−۰/۲۴۶	−۷/۳۳۸	۰/۰۰۰
PCM	۰/۰۴۳۵	۵/۷۷۶	۰/۰۰۰
GOV	۰/۰۰۰۳	۲/۳۱۹	۰/۰۲۱
ROA	۰/۰۷۸۲	۵/۳۳۴	۰/۰۰۰
Size	۰/۰۰۵۴	۳/۰۰۰	۰/۰۰۳
PPE	۰/۰۲۵۵	۱/۸۴۹	۰/۰۶۵
Nol	۰/۳۹۹۱	۳/۵۷۸	۰/۰۰۰
LEV	۰/۰۴۲۹	۳/۲۳۰	۰/۰۰۱
RD	۰/۰۸۳۷	−۰/۶۲۸	۰/۵۳۰
آماره تشخیصی			
آماره F و معنی‌داری	F =۱۰۲/۵۵ prob= ۰/۰۰۰		
ضریب تعیین و تعدیل شده	R2 =۰/۹۳۳ و R2 adjust = ۰/۹۲۴		
اماره دوربین واتسون	D.W =۱/۷۲		

ماخذ: محاسبات جاری پژوهش

با عنایت بر نتایج جدول (۳) می‌توان بیان نمود که تمام ضرایب بجز متغیر تحقیق و توسعه از نظر آماری معنی‌دار و دارای علامت مطابق انتظارند؛ آماره‌های F و $\bar{R}^2$ معنادار بودن مدل رگرسیون و خوبی برازش مدل برآوردی را در سطح احتمال ۹۵٪ تایید می‌کنند. در واقع، آماره $\bar{R}^2$ با مقدار عددی بدست آماره نشان می‌دهد که ۹۳/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته اجتناب مالیاتی توسط متغیرهای توضیحی موجود در مدل تفسیر می‌شود. علاوه براین آماره دوربین واتسون موید عدم خودهمبستگی بین جملات اخلال در مدل نهایی است.

از طرفی دو متغیر مطمح نظر مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی و اثر آنها بر اجتناب مالیاتی است که باید تشریح شود. اثر ضریب مارک‌آپ با علامت مثبت و معنادار بیانگر آن است که بنگاه‌های دارای قدرت بازاری به دلیل مصونیت از تهدید رقبا در حاشیه امن قرار دارند و این امنیت، رهبران بنگاه را به حفظ حاشیه سود و مشارکت در فعالیت‌های پرریسک اجتناب مالیاتی برای افزایش ارزش شرکت ترغیب می‌کند. دلیل دیگر را می‌توان به تمایل مدیران بنگاه جهت بهره‌مندی از پاداش و طرح‌های تشویقی پرداختی از جانب سهامداران نسبت داد بنابراین درصورت همسویی اهداف مدیران و سهامدارن میزان اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. علاوه براین نتایج تاثیر فعالیت مالکان نهادی بر اجتناب مالیاتی موید آن است که این سهامداران به دلیل نوع وابستگی، تخصص بالا، حجم و نفع مالی ناشی از سرمایه‌گذاری انگیزه نظارت بر فعالیت مدیران جهت کاهش هزینه نمایندگی و افزایش اجتناب مالیاتی را دارند.

در ادامه به‌منظور شناسایی دقیق‌تر وضعیت و ساختار بنگاه‌های فعال بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان یکی از بزرگترین بازارهای مالی ایران تلاش گردید توزیع فراوانی بنگاه‌ها براساس معیار مارک‌آپ در جدول (۴) ارائه شود.

جدول ۴. توزیع فراوانی بنگاه براساس معیار مارک‌آپ

معیار مارک‌آپ $\mu = \frac{1}{1-LI}$			
دامنه مارک‌آپ	$\mu = 0$	$0 < \mu < 1$	$\mu = 1$
ساختار بازار	رقابت کامل	رقابت معتدل (موثر)	انحصار موثر
فراوانی بنگاه	۰	۶۶	۳۴

ماخذ: محاسبات جاری پژوهش

نتایج فراوانی بنگاه‌ها براساس معیار مارک‌آپ در جدول (۴) نشان می‌دهد که در تمامی بنگاه‌ها P>MC است. به‌گونه‌ای که بین ۱۰۰ بنگاه مورد مطالعه در ۶۶ درصد بنگاه‌ها میزان

1 . Fesible generalized Least Square

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مارک‌آپ در سطح متوسط و ۳۴ درصد دیگر این نسبت به شدت بالاست. جمع‌بندی کلی نتایج موید فعالیت بنگاه‌ها در ساختار غیررقابتی است.

علاوه براین برای درک وضعیت دو عامل مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی نتایج مربوط به متوسط شاخص‌های مارک‌آپ و سهامداران نهادی برای بنگاه‌های تولیدی با بالاترین میزان اجتناب مالیاتی که در بازار بورس فعالیت می‌کنند در جدول (۵) آورده شده است.

جدول ۵. نتایج معیار مارک‌آپ، شاخص لرنر و سهامداران نهادی در بنگاه‌های با اجتناب مالیاتی بالا

نام شرکت	شاخص لرنر	معیار مارک‌آپ	سهامداران نهادی
دارو ابوریحان	۰/۳۵۱	۰/۷۴۰	۸۹/۸۴
شیمی داروپخش	۰/۱۸۸	۰/۸۴۲	۹۰/۴۶
سینادارو	۰/۴۶۹	۰/۶۸۱	۸۲/۰۱
کارخانجات داروپخش	۰/۳۳۸	۰/۷۴۸	۹۱/۱۹
فرآورده تزریقی	۰/۵۰۴	۰/۶۶۵	۲۶/۵۳
فروسیلیس ایران	۰/۲۷۲	۰/۷۸۶	۴۶/۷۶
فولاد امیرکبیر کاشان	۰/۱۰۰	۰/۹۰۹	۷۴/۱۵
دارو اسوه	۰/۴۰۲	۰/۷۱۳	۸۵/۸۵
پارس مینو	۰/۱۳۹	۰/۸۷۸	۶۹/۰۱
خدمات کشاورزی	۰/۲۰۱	۰/۸۳۳	۵۴/۴۶
نفت بهران	۰/۲۶۱	۰/۷۹۳	۶۸/۳۵
سیمان اصفهان	۰/۱۶۱	۰/۸۶۱	۱۹/۲۰
کاشی الوند	۰/۱۰۱	۰/۹۰۸	۹۰/۵۷
پگاه اصفهان	۰/۰۱۷	۰/۹۸۴	۶۷/۸۴

ماخذ: محاسبات جاری پژوهش

همانطوری‌که ملاحظه می‌شود جدول (۵) متوسط شاخص مارک‌آپ و وضعیت سهامداران نهادی به‌عنوان یکی از جنبه‌های شیوه حکمرانی شرکتی را نشان می‌دهد. نتایج جدول مذکور موید آن است که اکثر شرکت‌های دارویی از نظر قدرت بازاری، شیوه حکمرانی شرکتی و اجتناب مالیاتی بالاترین رتبه را داشته‌اند؛ دلیل آن است که این بنگاه‌ها تحت تملک سه هلدینگ بزرگ دارویی با سهم بازاری ۶۶ درصدی توسط مالکیت واحد اداره می‌شوند. به‌گونه‌ای که شرکت دارویی ابوریحان با بالاترین میزان اجتناب مالیاتی، دارای قدرت بازاری و شیوه حکمرانی با مقادیر متوسط نسبتا بالای ۰/۷۴۰ و ۸۹/۸۴ رده اول را به خود اختصاص داده است. علاوه براین بنگاه‌های شیمی داروپخش، سینا دارو، کارخانجات داروپخش، فراورده تزریقی، دارو اسوه، فروسیلیس ایران، فولاد امیرکبیر کاشان، پارس مینو و غیره در رده‌های بعدی قرار دارند.

به‌عبارت دیگر، اکثر بنگاه‌های فعال در بورس ایران در شرایط غیر رقابتی و ساختار انحصارچندجانبه فعالیت می‌کنند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق ارزیابی و بررسی اثرات مارک‌آپ و شیوه حکمرانی شرکتی به‌عنوان عوامل برون‌سازمانی بر اجتناب مالیاتی مورد توجه بود. با عنایت بر اینکه در ادبیات در خصوص روابط متغیرهای مذکور دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده و دانشمندان و صاحب‌نظران در عرصه مالی و اقتصادی در این خصوص متفق‌القول نیستند لازم است موضوع به‌صورت تجربی بررسی شود؛ بنابراین از داده‌های ۱۰۰ بنگاه تولیدی فعال در بورس ایران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ استفاده شد. نتایج پژوهش موید آن است سطح اجتناب مالیاتی در بخش عمده بازار از سطح متوسط بالاتر است یعنی عاملین فعال در بازار بورس به‌ویژه مالکان و سهامداران تمایل و انگیزه بالایی برای مشارکت در اجتناب مالیات از خود نشان می‌دهند. هرچند در بین عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی دو عنصر کلیدی قدرت بازاری و مالکان نهادی تأثیرات مهمی دارند؛ اما میزان مارک‌آپ در مقایسه با سهامداران نهادی نقش گسترده‌تری را ایفا می‌کند. البته اجتناب مالیاتی بالا می‌تواند ریشه در اندازه بنگاه‌های بزرگ و شکوفا داشته باشد زیرا این بنگاه‌ها عموما تحت سیطره سهامداران دولتی یا شبه‌دولتی هستند و معمولا قربانی فعالیت دولت‌مردان می‌شوند. مرتفع بودن مانع ورود در مقابل تازه‌واردین از کانال سودآوری و افزایش موجودی سرمایه نیز می‌تواند مزید بر علت باشد. علاوه براین، نتایج پژوهش باستناد معیار مارک‌آپ نشان می‌دهد که وجود رفتار رقابتی بنگاه‌ها در این بازار قابل دفاع نیست و ساختار غیررقابتی بر بورس ایران حاکم است. در این بازار وجود قدرت بازاری بین بنگاه‌ها می‌تواند از تمرکز و تبانی یا از کانال کارایی برتر فعالیت‌های فناورانه باشد اما بدلیل آن‌که اکثر بنگاه‌های تولیدی سهم اندکی از فروش را به تحقیق و توسعه و فعالیت نوآورانه اختصاص می‌دهند، تمرکز و تبانی نقش غالب و برجسته‌تری دارند. همانطور که اشاره شد در این بازار بخش عمده از سهام بنگاه‌ها در دست تعداد محدودی از مالکان نهادی نظیر بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی و هلدینگ‌ها قرار دارد و قریب به ۸۲٪ بازیگران بیش از ۵٪ سهام هر بنگاه را به‌خود اختصاص داده‌اند. از طرفی واقعیت‌های مشهود نشان می‌دهد که عمده سهامداران بنگاه‌های موجود در صنایع مواد و محصولات شیمیایی و دارویی کشور در هلدینگ

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خلیج فارس، هلدینگ صنایع تولیدی بهشهر و سه هلدینگ بزرگ دارویی فعالیت می‌کنند. به‌طوری‌که در هلدینگ خلیج فارس بیش از ۴۵ درصد سهام در دست سهامداران نهادی از قبیل شرکت‌های ملی پتروشیمی، شرکت نفت و گاز، شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی نفت ایران قرار دارد و در سه هلدینگ بزرگ دارویی نیز عمده سهامداران سازمان تامین اجتماعی، بانک‌ها و نهادهای شبه دولتی هستند. در زمینه فلزات اساسی هلدینگ سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات، فعال در زنجیره تولید آهن و فولاد با مشارکت هلدینگ زرین که در معادن سرب و روی و فراورده‌های آن فعالیت دارند بزرگترین هلدینگ معدنی کشور را تشکیل می‌دهند و شرکت فولاد مبارکه با ۴۲ درصد سهام جزء بزرگترین سهامدار این هلدینگ بوده و موسسه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، شرکت سرمایه‌گذاری صدرتامین و بانک پاسارگاد دیگر سهامداران این صنعت هستند. علاوه بر این شرکت سرمایه‌گذاری غدیر به‌عنوان بزرگترین هلدینگ‌های سیمان و ساختمان کشور ۵۳٪ مالکیت سهام آن در دست سازمان تامین اجتماعی نیروی مسلح است. در خصوص صنایع خودروسازی نیز ملاحظه می‌شود که سهامداران اصلی شرکت‌های سایپا و ایران خودرو هستند که بخش عمده سهام را در تصرف خود دارند. شایان ذکر است که در صنایع مواد غذایی و قندی نیز همین وضعیت حاکم است، به‌طوری‌که صنعت غذایی بهشهر، لبنیات پاک و قند قزوین با بالاترین ارزش بازاری سهام، در تملک سهامداران نهادی شامل شرکت‌ها و صندوق‌های مختلف سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی می‌باشند این سهامداران معمولا سرمایه‌گذاران حرفه‌ای هستند که تمرکزشان بر ارزش بلندمدت بنگاه است. بنابراین ملاحظه می‌شود که بنگاه‌ها توسط مالکیت‌های واحد یا تحت سلطه سهامداران نهادی با مالکیت دولتی یا شبه‌دولتی اداره می‌شوند که این مساله می‌تواند دلیل تبانی، اتئلاف و افزایش قدرت بازاری بنگاه‌ها باشد. وجود چنین شرایطی، حاشیه امن و وضعیت آرامی را برای بنگاه‌های مسلط بر بازار فراهم آورده و بدلیل آن‌که از سوی رقبا تهدید نمی‌شوند تمایل دارند در مقابل رقبا فعالیت‌های با ریسک بالا و نتایج منفی کمتر از قبیل اجتناب مالیاتی را عملی سازند. همچنین حضور سهامداران نهادی به‌دلیل نوع وابستگی، نفع مالی زیاد ناشی از حجم سرمایه‌گذاری و داشتن تخصص زمینه را برای نظارت بر کارکرد مدیریت فراهم می‌کنند؛ بنابراین با کاهش تضاد منافع مدیران و سهامداران و افزایش ارزش بنگاه انگیزه مشارکت در اجتناب مالیاتی افزایش می‌یابد. براین اساس، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به مراتب فوق توصیه می‌شود که با افزایش قدرت بازاری و شیوه حکمرانی مناسب به‌منظور افزایش ثروت و ارزش بنگاه نسبت به کاهش تضاد منافع مدیران و سهامداران اقدام گردد. گسترش تخصص مدیران مالی و اجرایی بنگاه‌ها، افزایش کارایی X، کاهش هزینه اضافی ناشی از به‌کارگیری عوامل تولید و توسعه سهم بازاری مالکان و سهامداران نهادی توصیه می‌شود. پایش مداوم اندازه بنگاه‌ها و ارتفاع مانع ورود در مقابل سهامداران بالقوه جهت ممانعت از شکل‌گیری انحصار خصوصی محور، رفتارهای غیررقابتی ناشی از تبانی سهامداران و جلوگیری از تسلط مدیران و سهامدارن دولتی و شبه دولتی بر بازار پیشنهاد می‌شود. برای بنگاه‌های فعال در بازار بورس، افزایش قدرت بازاری (مارک‌آپ) ناشی از کارایی برتر و کانال مشارکت در فعالیت فناورانه توصیه می‌گردد.

منابع

پورقربان، محمدرضا (۱۴۰۰). "کاربرد مدل هال – راجرز در سنجش حاشیه سود صنعت تولید فلزات پایه". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد صنعتی*، ۵ (۱۶)، ۳۴-۲۵.

حمیدیان، محسن (۱۳۹۶)."بررسی ابعاد مختلف راهبری شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه دانش سرمایه‌گذاری*، ۶ (۲۳)، ۲۲۹-۲۴۳.

خدامی‌پور، احمد، بزرایی، یونس (۱۳۹۴). "تاثیر رقابت در بازار محصول بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *پژوهشنامه مالیات*، ۷۵ (۲۷)، ۲۱۱-۲۲۷.

خیرخواه، رزیتا؛ اسعدی، عبدالرضا، زنده‌دل، احمد (۱۳۹۸). "ارتباط تمرکز و قدرت بازاری محصول با سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، ۹۲، ۱۱۳-۱۳۹.

فرجی، امید؛ سجادپور، رضا، رفیعی، مرتضی، برجی، پریسا (۱۳۹۹). "قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، رقابت بازار محصول و اجتناب مالیاتی". *پژوهشهای حسابداری مالی*، ۳ (۴۵)، ۲۳-۴۳.

مدرس، احمد؛ حسینی، سیدمجتبی، رییسی، زهره (۱۳۸۸). "بررسی اثر سهامداران نهادی به عنوان یکی از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

معیارهـای حاکمیـت شـرکتی بـر بـازده سـهامداران شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهـران". *پژوهشنامه اقتصادی*، ۵، ۲۲۳-۲۵۰.

مردانـی، مهـدی؛ صـفری گرایلـی، مهـدی، ولیـان، حسـن (۱۳۹۶). "تمرکز مشتری و اجتناب مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران". *فصلنامه دانش حسابرسـی*، ۱۸ (۷۳)، ۱۲۳-۱۳۷.

میکاییلی، سیده‌وجیهه؛ نورانی‌آزاد، سمانه، کریم، محمدحسین (۱۳۹۹). "اندازه‌گیری مارک‌آپ و قدرت بازاری در بخش صنعت ایران: رویکرد مرز تصادفی". *فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد صنعتی*، ۴ (۱۳)، ۴۶-۲۷.

Abdelfattah, T., & Aboud, A. (2020). "Tax avoidance, corporate governance, and corporate social responsibility: The case of the Egyptian capital market". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 38*, 1-16.

Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). "Corporate governance, incentives, and tax avoidance". *Journal of Accounting and Economics, 60*(1), 1-17.

Bayar, O., Huseynov, F., & Sardarli, S. (2018). "Corporate governance, Tax avoidance, and financial constraints". *Financial Management, 47*(3), 651-677.

Cai, H., & Liu, Q. (2009). "Competition and corporate tax avoidance: Evidence from Chinese industrial firms". *The Economic Journal, 119*(537), 764-795.

Chen, C., Li, L., & Ma, M. L. (2014). "Product market competition and the cost of equity capital: evidence from China". *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics, 21*(3), 227-261.

Chytis, E., Tasios, S., Georgopoulos, I., & Hortis, Z. (2019). "The relationship between tax avoidance, company characteristics and corporate governance: Evidence from Greece". *Corporate Ownership and Control, 16*(4), 77-86.

Desai, M. A., & Dharmapala, D. (2006). "Corporate tax avoidance and high-powered incentives". *Journal of financial Economics, 79*(1), 145-179.

Dyreng, S. D., Jacob, M., Jiang, X., & Müller, M. A. (2017). "Tax avoidance and tax incidence". *Unpublished Working Paper*. Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=3070239

Hou, K., & Robinson, D. T. (2006). "Industry concentration and average stock returns". *The Journal of Finance, 61*(4), 1927-1956.

Jiang, Y., Zheng, H., & Wang, R. (2021). The effect of institutional ownership on listed companies' tax avoidance strategies. *Applied Economics, 53*(8), 880-896.

Kerr, J. N., Price, R. A., Román, F. J., & Romney, M. A. (2021). "Corporate governance and tax avoidance: Evidence from governance reform". *Available at SSRN 3861965*.

Kim, J. B., Li, Y., & Zhang, L. (2011). "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis". *Journal of financial Economics, 100*(3), 639-662.

Kovermann, J., & Velte, P. (2019). "The impact of corporate governance on corporate tax avoidance—A literature review". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 36*, 100270.

Kubick, T. R., Lynch, D. P., Mayberry, M. A., & Omer, T. C. (2015). "Product market power and tax avoidance: Market leaders, mimicking strategies, and stock returns". *The Accounting Review, 90*(2), 675-702.

Martin, J., Parenti, M., & Toubal, F. (2020). "Corporate tax avoidance and industry concentration". Available at SSRN: https://ssrn.com/abstract=3661403

McGuire, S. T., Omer, T. C., & Wilde, J. H. (2014). "Investment opportunity sets, operating uncertainty, and capital market pressure: Determinants of investments in tax shelter activities?". *The Journal of the American Taxation Association, 36*(1), 1-

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

26.

Mills, L. (2017). "Barriers to improving tax capacity". *K4D Helpdesk Report; Institute of Development Studies: Brighton, UK*.

PENG, X.-r., & XU, H.-r. (2016). "The Influence of Product Market Power on the Company's Tax Avoidance". *Journal of Shanxi University of Finance and Economics*.

Peress, J. (2010). "Product market competition, insider trading, and stock market efficiency". *The Journal of Finance, 65*(1), 1-43.

Pesaran, M. H. (2012). "On the interpretation of panel unit root tests". *Economics Letters, 116*(3), 545-546.

Richardson, G., Wang, B., & Zhang, X. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics, 12*(2), 141-158.

Sharma, V. (2011). "Stock returns and product market competition: Beyond industry concentration". *Review of Quantitative Finance and Accounting, 37*(3), 283-299.

Shin, I., & Park, S. (2019). "The relation between product market competition and corporate tax avoidance: evidence from Korea". *Investment Management and Financial Innovations, 16*(2), 313-325.

Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1986). Large shareholders and corporate control. *Journal of political economy, 94*(3, Part 1), 461-488.

Widyastuti, T. (2018). "The effect of corporate governance mechanism on tax avoidance: Evidence from manufacturing industries listed in the Indonesian stock exchange". *The International Journal of Social Sciences and Humanities Invention, 5*(10), 5003-5007.

Yee, C. S., Sapiei, N. S., & Abdullah, M. (2018). "Tax avoidance, corporate governance and firm value in the digital era". *Journal of Accounting and Investment, 19*(2), 160-175.

Archive of SID.ir